



اعضای هیات علمی شانزدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر را منصوب کرد. محمد مهدی اسماعیلی در احکام جداگانه‌ای محمدرضا روزبه، افشین علا، ناصر فیض، علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی، علی محمد مؤدب، سیداحمد میرزاده، یوسفعلی میرشکاک و قربان ولیبی را به‌عنوان اعضای هیات علمی شانزدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر منصوب کرد.

«کرش به حافظ» با زبان موسیقی

نداسیجانی – موسیقی در ایران به دو بخش‌سازی و آوازی تقسیم می‌شود و از دیرباز تا به امروز هر دو بخش آن نقش اثرگذاری در معرفی فرهنگ و هنر ایران داشته است، اما با گذر زمان و براساس نیاز جامعه بخش آواز آن دچار تغییر و تحولات اندکی شده است و این تغییرات گرایش نسل جوان و درمقابل همسودن برخی از هنرمندان با خواسته و سلیاق جامعه به‌سوی تصنیف خوانی است. اما دراین میان برخی از موسیقیدانان همچنان پایبند به میراث استادان و پیشکسوتان خود هستند و ادامه دهنده مکتبی که از آن بزرگان برجای مانده است همچون علی رستمیان خواننده موسیقی ایران، هنرمندی که موسیقی آوازی را نزد استاد جلال‌الدین تاج اصفهانی آموخته است.

این خواننده به‌تازگی آلبومی منتشرکرده با عنوان «کرش به حافظ» که آهنگسازی کار را هم برعهده داشته است به‌علاقه‌مندان این ژانر از موسیقی پیشنهاد می‌شود.

«کرش به حافظ» شامل هفت قطعه بوده: «تصنیف عکس روی تو (در دستگاه ماهور)، تصنیف درازل پرتو حسنت (در دستگاه شور)، تصنیف صلاح کار (در دستگاه بیات اصفهان)، تصنیف روزه‌چیران (در دستگاه بیات ترک)، ساز و آواز حاشا که من بموسم گل (در دستگاه بیات ترک)، شکسته (در دستگاه بیات ترک) از نامه سیاه تترسم و تصنیف «خوشر زعیش» (در دستگاه نوا) که آذرماه ۱۴۰۰ از سوی شرکت فرهنگی هنری چهارباغ بانگ منتشرگردید.

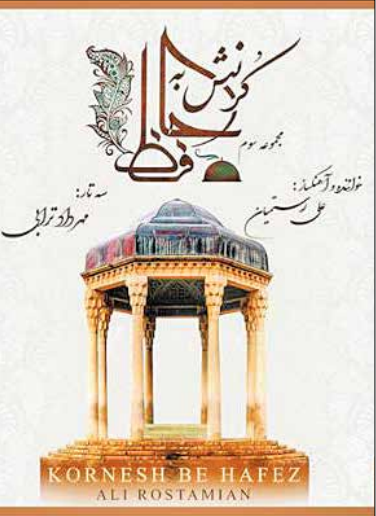
این خواننده آلبوم‌های دیگری منتشرکرده با نام‌های «بامدادان»، «خزان عشق»، «دل من»، «واله و شیدا»، «شب مهتاب»، «یوسف کنعان»، «جام پرچین»، «کنج صوری (با آهنگسازی پرویز مشکاتیان)، «از بودن و سرودن»، «مجموعه دفتر تار و آواز ۱ و ۲» (همراه با تار جلیل شهناز) و «سیه‌چشم». از آثار دیگر رستمیان آلبوم موسیقی «نغمه نروزی» است که در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است. دراین اثر جلیل شهناز حضور داشته است. این آلبوم توسط گروه موسیقی قمر با قطعاتی از روح‌الله خالقی و اکبر محسنی به سرپرستی نوید دهقان اجرا شده‌است.

علی رستمیان که سال‌ها در مکتب اصفهان فعالیت کرده ۲۰ فروردین سال ۱۳۲۸ در شهر اصفهان متولد شد و ردیف‌های موسیقی ایرانی را نزد محمود کریمی آموخت و از آموزش‌های محمدرضا شجریان، حسن کسایی، حسین علیزاده و هوشنگ ابتهاج نیز بهره برده است.

رستمیان سال‌ها با فرامرز پایور هم‌کاری داشته و پس از آشنایی او با این استاد (در سال ۱۳۶۳) همکاری رستمیان با گروه استادان موسیقی ایران آغاز گردید که حاصل این همکاری، آلبوم‌های چهارباغ، مویه، حکایت دل و ارغوان بود.

البوم ارغوان، آخرین اثر فرامرز پایور بود که در زمستان ۱۳۷۶ منتشر گردید و «چهارباغ» تیر سال ۱۳۶۵ در آواز ابوعطا و با همکاری گروه استادان موسیقی ایران تولید شده است.

- **کرش به حافظ**
- **آهنگساز و خواننده علی رستمیان**
- **نوازندگان: مهرداد ترابی و حسین شرفی**
- **ناشر: شرکت فرهنگی هنری چهارباغ بانگ**
- **سال ۱۴۰۰**



سریع مشکلات استوار است و خود را متعهد می‌دانیم که به خون شهیدان گلگون کفن ایران اسلامی وفادار بمانیم.» گفتنی است وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه حضور خود در مسجد جامع جمهوری اسلامی از کتابخانه این مسجد و آثار تالیفی حجت‌الاسلام اختری و تعدادی از مقالات علمی پژوهشگران بازدید کرد.

▪ اعضای هیأت علمی شانزدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر منصوب شدند

همچنین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در احکامی جداگانه،

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به وضعیت دولت سیزدهم در زمان تحویل گفت: «در حالی که با کسری بودجه شدید مواجه بودیم، بدون استقراض از بانک مرکزی توانستیم اداره امور کشور را به پیش ببریم. خوشبختانه امروز فروش نفت ما چند برابر شده و با بهبود منابع ارزی در آینده نزدیک شاهد ثبات و آرامش در بازار ارز خواهیم بود. دولت مردمی شب و روز نمی‌شناسد و تمام استان‌ها محل سفر هیأت دولت است. امروز رئیس‌جمهور مکتبی در مسند کار اجرایی قرار دارد و شخص ایشان و اعضای دولت، خادمی مردم را افتخار خود می‌دانند. تلاش دولت بر حل

دولت توفیقاتی در عرصه‌های مختلف در این مدت کوتاه داشته به‌خاطر پشتیبانی مردم از دولت انقلابی است و این مسیر را با قدرت ادامه خواهیم داد.» اسماعیلی با ابراز امیدواری نسبت به رفع مشکلات اقتصادی و فرهنگی گفت: «اگر مسائل کشور حل‌شدنی نبود، رهبر معظم انقلاب اینقدر به صراحت از آینده روشن جامعه سخن نمی‌گفتند. خوشبختانه مسیر روشن است و انقلاب اسلامی با قدرت به‌سمت تحقق اهداف خود حرکت می‌کند و دولت مردمی هم با تمام قوا برای خدمت به مردم پروژه مستضعفین آماده است.»

تام هنکس پیر در «فینچ» هم دیدنی است

یک فیلم مفرح آخرالزمانی

◀ **وسایل روحانی**
خبرنگار

فیلم جدید «فینچ» (Finch) ادغامی از واقعیت‌ها با احتمال‌ها و اتفاقاتی است که دیر یا زود در زمینه‌های علمی – تخیلی و در سلسله روابط ماوراءالطبیعه‌ای دامان انسان را می‌گیرد و مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد.

اگر بخواهیم یک تعریف کوتاه از «فینچ» ارائه بدهیم، این فیلم ترسیم‌کننده سفر طولانی تام هنکس هنرپیشه همیشه پدروار و پیر و پرتقر دار همراه با سگ محبوبش و یک روبات در سطحی وسیع از امریکا برای در امان ماندن از تبعات یک طوفان آخرالزمانی است که در کره زمین حادث شده است. اولین باری که کاراکتر مرکزی فینچ وین‌برگ را با بازی متین و دلپذیر هنکس در فیلمی با همین نام و با کارگردانی مِیکل سایوج نیک مشاهده می‌کنیم، زمانی است که این متخصص بازنشسته امور روباتیک با یک لباس ضدآشعه در حال جست‌وجو در مغازه‌های به‌هم‌ریخته و خانه‌های خالی شده به قصد یافتن هرگونه غذا و سایر موادی است که می‌تواند او را در یک دنیای فاجعه‌زده به‌ادامه زندگی و گذر از بحران نایل کند. تصور و تجسمی که هنکس ۶۵ ساله در این نقش از خود بروز می‌دهد، بیش از آنکه مثل نوع بازی ویل اسمیت در فیلم «من یک افسانه‌ام»، قدرتمندانه باشد، بازتاب‌هایی از فیلم کارتونی «وال‌ای» را دارد و به‌همین سبب است که پس از یافتن یک قوطی غذای مخصوص سگ در این اماکن طوری شادی می‌کند که انگار بزرگترین گنج زندگی‌اش را یافته‌است.

▪ مواظب سگ من باش!

او به خانه برمی‌گردد اما این نه یک منزل معمولی بلکه لابراتواری در زیرزمین است که فینچ سال‌ها برای تقابل با طوفان‌های فضایی و ناملازمات کیهانشانی تدارک می‌دیده و آن را برای چنین روزهای سختی مناسب می‌دانسته است. در صحنه‌های بعدی کریک لاک و ایور پاول به‌عنوان سناریست‌های این فیلم بینندگان را با چگونگی سلوک روزانه فینچ آشنا می‌کنند. عمده کارهای می‌تواند او را در یک دنیای فاجعه‌زده به‌ادامه زندگی و گذر از بحران نایل کند. تصور و تجسمی که هنکس ۶۵ ساله در این نقش از خود بروز می‌دهد، بیش از آنکه مثل نوع بازی ویل اسمیت در فیلم «من یک افسانه‌ام»، قدرتمندانه باشد، بازتاب‌هایی از فیلم کارتونی «وال‌ای» را دارد و به‌همین سبب است که پس از یافتن یک قوطی غذای مخصوص سگ در این اماکن طوری شادی می‌کند که انگار بزرگترین گنج زندگی‌اش را یافته‌است.

او به خانه برمی‌گردد اما این نه یک منزل معمولی بلکه لابراتواری در زیرزمین است که فینچ سال‌ها برای تقابل با طوفان‌های فضایی و ناملازمات کیهانشانی تدارک می‌دیده و آن را برای چنین روزهای سختی مناسب می‌دانسته است. در صحنه‌های بعدی کریک لاک و ایور پاول به‌عنوان سناریست‌های این فیلم بینندگان را با چگونگی سلوک روزانه فینچ آشنا می‌کنند. عمده کارهای می‌تواند او را در یک دنیای فاجعه‌زده به‌ادامه زندگی و گذر از بحران نایل کند. تصور و تجسمی که هنکس ۶۵ ساله در این نقش از خود بروز می‌دهد، بیش از آنکه مثل نوع بازی ویل اسمیت در فیلم «من یک افسانه‌ام»، قدرتمندانه باشد، بازتاب‌هایی از فیلم کارتونی «وال‌ای» را دارد و به‌همین سبب است که پس از یافتن یک قوطی غذای مخصوص سگ در این اماکن طوری شادی می‌کند که انگار بزرگترین گنج زندگی‌اش را یافته‌است.

مروری بر نمایش «بابا آدم» به کارگردانی لیلی عاج

روایتی از اردوگاه اشرف

گروه فرهنگی / لیلی عاج در آخرین نمایش خود، از دل یک روایت مستند قصه دردنک سقوطی را کنشاش می‌کند که از پس ناآگاهی‌ها چون دملی چرکین سرباز کرده و عقلانیت را به یغما می‌برد. «بابا آدم» که این روزها در پلنفرم تلویزیون تئاتر ایران در حال اکران آنلاین است، قصه مجاهدین خلق، همان گروهکی است که در سال ۱۳۴۴ توسط روشنفکران جوان مسلمان با هدف سرنگونی رژیم پهلوی و برتری جامعه زحمتکش کارگر و مستضعفان بر نظامات طبقاتی استعماری تأسیس شد اما خیلی زود با حذف برخی صاحب‌نظرانش، تغییر ایدئولوژی داد و رسالتش را از حمایت خلق به سمت تصفیه حساب با خلق تغییر داد.

در این تغییر ایدئولوژی، لاجرم نیاز بود تا عقلانیت نیز به عنوان مهمترین ابزار بشری از اعضایی که در راه اعتقاداتشان دل به این گروهک داده بودند، گرفته شود و آنها به موجودات ماشینی فرمانبر که اجازه هیچ‌گونه ابزار وجودی ندارند، تبدیل شوند. خودسوزی دسته جمعی، طلاق سازمانی و بی‌عملیات جاری، بی‌هویتی، سرکوب عاطفه و... گوشه‌هایی از برنامه‌هایی بودند که برای هدایت اعضای این فرقه به سمت طاعت‌گور کورانه اجرایی شدند. عاج در آخرین ساخته خود تلاش دارد از دل یک روایت مستندگونه از این گروهک، زوایایی از یغمای انسانیت را کالبد شکافی

در جست وجوی صلح

گروه فرهنگی/ «زنانی با گوشواره‌های باروتی»

مستندی دیگر از رضا فرهنگند سازنده فیلم تحسین شده «نت‌های مسی یک رؤیا» است. مهمترین نکته فیلم توجه به بخش نادیده گرفته شده کشورهای درگیر جنگ داعش یعنی خانواده‌خود داعشی‌هاست. در این مستند به بهانه سفر گزارشگر زن عراقی به نام نور الحلی به سرزمین‌های آزار شده از دست داعش پای صحبت زنان و کودکان زخم خورده از جنگ می‌نشیند. مستندساز از کنار هم قرار دادن نور که دو نفر از سگانش را در جنگ با داعش از دست داده و زنان داعشی، تلاش کرده به نگاهی انسانی و بی‌طرف برسد. این مستند زنانه، در جست وجوی صلح است و آن‌ور که سازنده‌اش تأکید دارد برای روایت قصه صلح باید داستانی زنانه تعریف می‌شود، چرا که زنان همواره روائینگر صلح و مهربانی بوده‌اند.

آسیموف دانشمند افسانه‌ای روسیه وارد صحنه و برای ایمن‌سازی محیط اطراف دست به کار می‌شود اما او بر طبق همین دستورالعمل‌ها به‌جای اینکه ابتدا به فینچ بیندیشد، حفظ سگ مورد بحث را وظیفه او خود می‌انگارد و فقط در این راه گام کتاب به قصد جای دادن آن در حافظه روباتیک جز اینکه خودش سوار بر وسیله سفینه‌مانند اما زمین‌نوردی که در اختیار دارد و مجهز به قوای امنی و انرژی‌های ذخیره شده قطبی است، در سطح زمین به حرکت درآید. فینچ در این راستا از سنت لوییژ فاجعه‌زده که محل اولیه بروز طوفان فضایی است، دوری می‌جوید تا همراه با اعضای خانواده پراکنده‌اش به سمت سانفرانسیسکو برود که ایمن‌تر و برای زندگی مناسب‌تر است.

▪ خبری از خشونت نیست

این لژوما نه چیزی مثل «دورافتاده» دیگر فیلم نجات‌جویانه‌ای است که تام هنکس دو دهه پیش



خواسته‌ها تبدیل می‌کند. به همین دلیل هم است که بابا آدم نه دنبال قهرمان می‌گردد و نه نتیجه و بدنامی یک مرد متفکین حاضر در اردوگاه-که در نه پایان، نمایش مخاطب را با بمبارانی از اطلاعات دوره می‌کند. عاج در این نمایش فقط می‌خواهد در گوشه‌ای بنشیند و واقعیت را روایت کند. روایت سقوط عقلانیت در انسان‌هایی که خود را مسئول حفظ و حراست از توده می‌کردند و توده را متهم به غفلت،

به همین دلیل هم است که در نمایش لیلی عاج، «وجدان» در قالب یک شخصیت مجزا هویدا می‌شود. در بیابان دیاله خانواده‌ها با توجه به مسافت زیاد تا آسایشگاه‌های اشرف، برای صدا کردن عزیزانشان از بلندگو استفاده می‌کردند. مسئولان اردوگاه اشرف نیز در اقدامی متقابل با پخش مارش‌ها و سرود مانع از



«سینما حقیقت» به نمایش درآمد. پس از آن نیز به جشنواره‌های خارجی رفت و موفق به دریافت جوایز بین‌المللی شد. رضا فرهنگند در «نت‌های مسی یک رؤیا» هم به موضوع کودکان «برموگ» (سوره محل زندگی فلسطینیان) می‌پردازد؛ کودکانی که در بی

نگاهی به ۲ کتاب خواندنی از «وودی آلن» در ۸۶ سالگی اش

سینماگری طناز در نویسندگی

مریم شهبازی / همین تازگی هشتاد و ششمین سالروز تولد مردی بود که نه تنها در عرصه سینما، بلکه بین ادبیاتی‌ها هم طرفداران بسیاری دارد. البته شاید فارغ از جامعه کتابخوان جدی، بویژه آن‌هایی که پیگیر ادبیات جهان هستند دیگران آشنایی چندانی با نوشته‌هایش نداشته باشند. صحبت از «وودی آلن» است؛ سینماگر و کم‌دین مطرح امریکایی که طی ۶۰ سال فعالیت حرفه‌ای خود جوایز و افتخارات بی شماری کسب کرده است. این هنرمند که برخی منتقدان او را همچون گنجینه‌ای برای هنر هفتم می‌دانند در کنار سال‌ها فعالیت جدی سینمایی، در زمینه ادبیات داستانی و نمایشی هم کارهای متعددی نوشته که اغلب به فارسی نیز بازگردانده شده‌اند. اگر بیش از آثار مکتوب آلن با فیلم‌های او آشنا هستید، برای شروع کتاب‌های «بی‌بال و پر» و «مرگ در می‌زند» به ترجمه «نگار شاطریان» و منتشر شده از سوی «نشر بیدگل» پیشنهادهایی و سوسه‌انگیز برای ورود به دنیای ادبی برآمده از نوشته‌های او هستند. «بی‌بال و پر» گزیده‌ای از یادداشت‌های خصوصی آلن است؛ یادداشت‌هایی با همان رد پای پرنگ طنز که در ساخته‌های سینمایی و حتی بازیگری‌اش سراغ داریم.

با وجود ثروتان و سبک نوشتاری خواندنی این کتاب، برخی تأکید دارند که مخاطب برای ارتباط بهتر با آن باید آشنایی هرچند مختصری با فلاسفه، نویسندگان و هنرمندانی داشته باشد که آلن هرازگاهی به نام شان اشاره کرده است. کتاب دیگری که خواندن آن لطف بسیاری دارد «مرگ در می‌زند» است، نکته جالب توجه درباره این کتاب که در قالب نمایشنامه در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته این است که نسخه صوتی آن نیز منتشر شده، حتی اگر نسخه چاپی این کتاب را خوانده‌اید از نسخه صوتی‌اش که در واقع یک نمایش رادیویی است نیز غفلت نکنید. این کتاب روایتی از مواجهه انسان با مرگ است، هرچند با روایتی متفاوت از آنچه که از مواقعی اینجینسی در ذهن‌مان نقش بسته است. در این داستان خبری از بیمار روبه احتضاری که در اتاقی سرد و تاریک به انتظار پایان زندگی‌اش مانده نیست؛ حتی فرشته مرگی که آن به تصویر کشیده متفاوت از فیلم‌های هالیوودی است، در آن نه خبری از آن لباس یک‌دست سیاه است و نه آن داس مخوف! مرگ، مردی آراسته است که می‌آید وظیفه‌اش را انجام بدهد و برود. کمی هم تازه‌کار است.

آفتدر که به جای در زدن از دیوار خانه «نات»، یکی از دو شخصیت اصلی داستان بالا می‌رود و در برابر چشمان متعجب او خودش را معرفی می‌کند. «نات» باورش نمی‌شود اما وقتی می‌فهمد قرار است بمیرد تصمیم به فریب مأمور معذور به خدمت می‌گیرد. حالا اینکه چه می‌کند و موفق می‌شود یا نه بماندن برای گوش سپردن به نسخه صوتی یا خواندن نسخه چاپی‌اش، اجرای این نمایشنامه رادیویی را که دسترسی به آن از طریق پلنفرم‌هایی نظیر «فیدیبو» و «طاقچه» ممکن است، «محسن زرآبادی پور» و «آرام سلطان‌زاده» برعهده داشته‌اند که از سوی مؤسسه «آوانامه» تولید شده و تنها ۲۳ دقیقه زمان برای گوش سپردن به آن کافی است.

- **«بی‌بال و پر»**
- **«مرگ در می‌زند»**
- **نویسنده: وودی آلن**
- **مترجم: نگار شاطریان**
- **نشر بیدگل**

